



یادی از شهید «بهنام محمدی» در گفت‌وگو با کارگردان مستند «پنجایانجا»

۲۲

بهنام ۱۳ساله ابرقهرمان کوچک جنگ

یادی از شهید «بهنام محمدی» در گفت‌وگو با کارگردان مستند «پنجایانجا»

۲۲

همیشه یکی فرهنگ



ساخته است. بعد، مرحوم ذوالفقاری در مقدمه اش از گروهی که در تهیه این فرهنگ یاری‌اش داده‌اند تفصیل نام برده و در انتها از خواننده خواهش کرده «هرگاه به مثل هایی رسیدید که در این فرهنگ نیافتیده آن را به نشانی بسنت الکترونیک Zolfagari_hasan@yahoo.com ارسال کنید، تا در چاپ های بعد افزوده شود.» این اگر فروتنی نیست، پس چیست؟ این اگر عشق به پیش رفتن و در جاز نردن نیست، پس چیست؟ مسئولیت نیست، پس چیست؟

«فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل های فارسی» تنها یکی از تالیفات مهم مرحوم حسن ذوالفقاری است که جمعه ۱۷ تیر ۱۴۰۱ در ۵۶ سالگی در اثر سکته قلبی در گذشت. مرحوم ذوالفقاری متولد ۲۰ تیر ۱۳۴۵ بود و در سال ۱۳۶۸ کارشناسی زبان و ادبیات فارسی خود را از دانشگاه امام خمینی قزوین گرفت. در سال ۱۳۷۰، در رسته زبان و ادبیات فارسی کارشناسی ارشد خود را از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اخذ کرد و در سال ۱۳۷۶ به اخذ مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران نائل آمد. او که عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس بود، در صفحه شخصی اش در وب‌سایت این دانشگاه چنین معرفی شده است: «نویسنده و پژوهشگر و مولف کتاب‌های درسی و متخصص ادبیات عامه، مدیر گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی. برگزیده رتبه دوم پژوهش‌های کاربردی در نوزدهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی (سال ۱۳۸۳) و برگزیده رتبه اول پژوهش برتر فرهنگی سال (۱۳۹۴) و مشاور عالی دایره المعارف بزرگ اسلامی وموسس انجمن علمی نقد ادبی ایران و سردبیر فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه است. وی مولف بیش از ۴۰ کتاب است؛ ازجمله فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی، ادبیات مکتبخانه‌ای ایران، یکصد منظومه عاشقانه فارسی، فارسی بیاموزیم، باورهای عامیانه مردم ایران و… وی تاکنون بیش از ۱۵۰ مقاله علمی در نشریات علمی کشور به چاپ رسانده است.»

حالا دیگر کسی نیست که به آن نشانی پست الکترونیک سر بزנד تا ببیند چه مثل هایی برایش آمده تا به چاپ های بعدی کتابش بیفزاید. از دست رفتن دکتر حسن ذوالفقاری از جنس همان افسوس و حسرتی است که آن مرحوم برای از دست دادن راویان کهنسال فرهنگ ایران‌زمین می خورد.

مقدمه «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل های فارسی» که از یادگارهای ارزنده و درخشان مرحوم حسن ذوالفقاری است، ۱۶۸ صفحه است که خود به اندازه کتابی در باب راه و رسم فرهنگ‌نگاری و مباحث مَثَل‌نگاری خواندنی و آموزنده است. در این مقدمه، مرحوم ذوالفقاری از اهمیت فرهنگ در شکل دهی به هویت ملی نوشته؛ از ادبیات شفاهی یا عامه گفته و از جایگاه ضرب‌المثل‌ها در این ادبیات. در ۱۰ بند، مختصر و مفید، اهمیت مثل‌ها را در فرهنگ‌سازی توضیح داده و از «پیران سالخورده و روایان سالدیده» به عنوان «منابع گنجینه ه‌ای عظیم میراث معنوی» یاد کرده که «مرگ این روایان همچون آتش گرفتن کتابی خطی، در طی زمان است، کتابخانه‌ای انباشته از نسخه‌های خطی منحصر به فرد و نفیس.» در تمام این ۱۶۸ صفحه، مرحوم ذوالفقاری از خودش و تحویلات و مقام دانشگاهی و کارها و کتاب‌ها و مقالاتش هیچ نوشته و قلم به خودستایی نچرخانده و حاضر نشده عظمت کار سترگش را با مرئی‌ه گفتن از رنج و مرارتی که در تهیه این فرهنگ متحمل شده تاخت بزند.

تنها در چند سطر کوتاه از ناملیامت گفته که از عزم بلندش در تدوین این فرهنگ، بسیار کوچک‌تر و بی‌رُمق‌تر بوده‌اند «کم‌لطفی مسئولان فرهنگی باعث نشدند از کار بزرگی که پیش رو داشتیم و از جمله ضرورت های فرهنگی ایران امروز به شمار می آید، صرف نظر کنم بلکه عزم من برای ادامه کار جزم‌تر شد.

علی‌رغم تنگنای‌های مالی و تنها با تلاش شبانه‌روزی توانستیم در مدت ۸ سال، کار تدوین و گردآوری یکصدهزار مثل فارسی را به انجام برسانیم.» جلد اول این فرهنگ دوجلدی ۱۳۵۵ و جلد دومش ۱۱۶۰ صفحه دارد؛ همین نشان می دهد که آن صفت «بزرگ» به درستی بر وی جلد این فرهنگ نشسته و صر فاقدش بازنمایی عظمت و وسعت کتاب بوده است؛ اما در مجموع این ۲ هزار و ۵۱۵ صفحه، مولف به گفتن چند کلمه از موانع پیش روی‌اش بسنده کرده و بقیه نیروی‌اش را برای کارهای مهم‌تر و ارزشمندتری که در پیش داشته، ذخیره کرده است. چند نفر مثل مرحوم ذوالفقاری چنین همت بلندی دارند؟ از چند مدیر و مسئول و سازمان و نهاد چنین تلاشی ساخته است؟ چقدر جلسه و نشست و وقت و نیرو و انرژی و بودجه عمومی کشور صرف کارهایی می شود که سرسوزنی اهمیت و ارزش این فرهنگ دوجلدی را نندازند؟ چه کارها که از بلندهمتان

حج، زمینه‌ساز نزول رحمت فراوان الهی

آشنایی با اسرار و ثمرات حج از دیدگاه مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی

۲۴

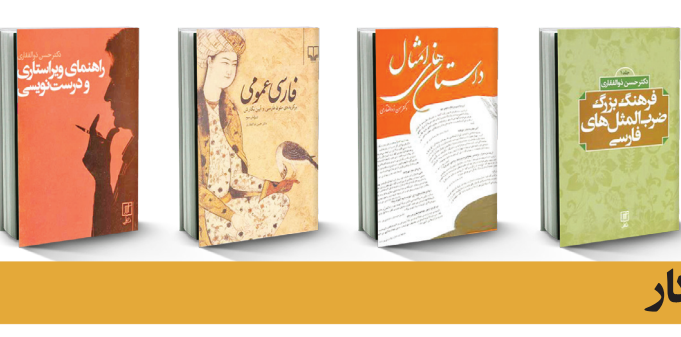
فرهنگ



حسن ذوالفقاری پژوهشگر زبان و ادب فارسی درگذشت

کتابخانه نفیسی که از دست رفت

ذوالفقاری سال‌ها از عمر بربراش را در شناخت و شناساندن و بررسی و تحلیل ادب عامه، په‌ویژه ادبیات داستانی عامیانه و زبانگردهای مردم کوچه و بازار گذراند. ذوالفقاری افزون بر همکاری با شوروی علمی دانشنامه فرهنگ مردم ایران در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، حضور و نقشی فعال در تألیف مقالات تخصصی برای مدخل‌های این دانشنامه داشت. او همچنین با مرگ این مرد فرزانه سخت کوش، ستونی استوار از ستون‌های پژوهش‌های ادبیات و شفاهی مردم ایران‌زمین فرورویخت و آنتشی سوزنده بر خانه دل‌های دوستان و علاقه‌مندانش برج ای گذاشت. رفثنی و رفین تو آتش‌نهاد بر دل از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل روائش بی‌بسته‌ها و ضایع‌فردان فرهنگان همدم باد



متخصص فرهنگ عامه و پ‌رکار

یعنی حوزه آموزش زبان فارسی نیز کارهای بسیاری انجام داد. او با همکاری برخی از استادان دیگر در حوزه آموزش زبان فارسی برای فارسی‌آموزان خارج از کشور چند کتاب تألیف کرده بود که کتاب‌های خوب و موفقی بودند. او در آموزش زبان فارسی فعالیت جدی داشت. ما ۲ نفر از همکاران، گردآورده بود. «همچنین، غلامحسین غلامحسین‌زاده، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، درباره مرحوم ذوالفقاری گفته: «او به پرکاری در میان استادان زبان فارسی مشهور بود.» و درباره تخصص مرحوم ذوالفقاری در آموزش زبان فارسی یادآور شده: «دکتر ذوالفقاری در حوزه تخصص دوم‌شان، آموزش زبان فارسی به عهده‌اش بود.»

علی بلوکباشی مردم‌شناس پیشگوت

یاد

«بیدار شو ای دل که ایمن نتوان خفت زین سبل دمدام که درین منزل خوابست!» خیر در گذشت ناگهانی دکتر حسن ذوالفقاری، دوست قدیم و همکار فریخته‌ام سخت باورنکردنی است. رفتن این دانشمرد بزرگ و ترک بدون خداحافظی، غیرمنظوره و برای دوستان باورنکردنی است. ذوالفقاری جایگاهی ویژه و والا در زبان و ادب فارسی و میان هوادانشان آن داشت. او استادی ادیب از جامعه دانشگاهی بود که عشق و علاقه‌اش به حوزه فرهنگ و ادبیات عامه، پای او را به اقلیم دانش فولکلور کشاند.



فرخ‌اخوان چهارم

فراخوانی برای چهل ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

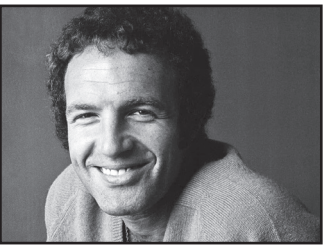
فراخوان چهل ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر به‌دبیری مجتبی‌امینی منتشر شد و طبق زمانبندی انجام شده ثبت‌نام بخش بین‌الملل از ۱۵شهریورماه و بخش ملی از اول آبان ماه آغاز می‌شود و تا پایان همان ماه ادامه خواهد داشت.

به‌گزارش همشهری، فراخوان چهل ویکمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر در ۲بخش ملی و بین‌المللی منتشر شد، هم‌زمان با هدف حمایت از سینمای اخلاق‌سدار، امید آفرین و آگاهی‌بخش، به‌منظور معرفی آثار برگزیده یک سال سینمای ایران و تقدیر از تلاش هنرمندانه سینماگران خلاق و فراهم آوردن زمینه رشد و اعتلای آثار سینمایی بر پایه هویت ملی و دینی، به شرح زیر برگزار می‌شود. برخی از تبصره‌های بخش ملی هم در این‌سفرخاوان آورده شده؛ فیلم‌های بلند داستانی که دارای پروانه ساخت یا نمایش سینمایی از سازمان امور سینمایی و سمعی‌بصری‌اشدندو تأیید از بهمن ۱۴۰۱ترک‌ان‌عمومی نشده و در سامانه‌های نمایش درخواستی صورت‌انگلی و رسانه ملی به‌نمایش درنیامده باشند، مجاز به حضور در این بخش خواهند بود. فیلم‌های بلند داستانی که از سینورهای بین‌المللی سینمای مردم ایران‌زمین فروریخت و آنتشی سوزنده بر خانه دل‌های دوستان و علاقه‌مندانش برج ای گذاشت. رفثنی و رفین تو آتش‌نهاد بر دل از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل روائش بی‌بسته‌ها و ضایع‌فردان فرهنگان همدم باد

یادداشت مسعود بویا روزنامه‌نگار

درگذشت جیمز کان

خداحافظی با پسر بزرگ خانواده کورلئونه



با انتشار خبر درگذشت جیمز کان، احتمالاً نخستین تصویری که علاقه‌مندان سینما از او به یاد آوردند، معروف‌ترین نقش آفرینی‌اش بود در فیلم «پدرخوانده» (۱۹۷۲)؛ در نقش سناتی کورلئونه، پسر بزرگ خانواده که جیمز کان با اتکا به ویژگی‌های فیزیکی و آن مردانگی آمیخته به خشونت، قدرت و توانایی جسمانی رادر پسران کورلئونه نمایندگی می‌کرد. خوشنوش در شروع فیلم باشکستن دوربین عکاسی که‌از مراسم عروسی خواهرش عکس گرفته بود، با اسکناس‌هایی که بعد از اعمال خشونت برای عکاس نگون‌بخت پرتاب کرد، در یادها ماند و پیش از همه و این روزها که از دنیا رفته، سکنس معروف گلوله‌باران شدنش با آن همه تبری که به‌سویش شلیک شد که هنوز هم فصل تکان‌دهنده‌ای است. بازی‌اش در پدرخوانده محصول رفاقتش با کوبولا دانسته‌شد که پیش از آن در فیلم «اهل باران» (۱۹۶۹) هم برای کارگردانی که هنوز گمنام بود، جلوی دوربین رفته بود. هرچند در فضای پر تنش تولید پدرخوانده، بازی جیمز کان در نقش سانی حکم نوعی گروه‌کنشی را برای کوبولا داشت تا کمپانی در عوض رضایت دهد آل‌پاچینو نقش مایکل کورلئونه را بازی کند. البته نه به این آسانی و در واقع اصرار تهیه‌کننده باعث شد نقش سانی به جیمز کان برسد. بعد از آنکه ابریت ایوانز با اصرار خواست که جیمز کان نقش مایکل را بازی کند، کارمین کاریدی برای نقش سانی انتخاب شد. به‌گفته ایوانز، او به فرانسیس فورد کوبولا گفت که فقط در صورتی می‌تواند از آل‌پاچینو در نقش مایکل استفاده کند که رل سانی را به او بدهد. مجموعه‌ای از عوامل در نهایت دست به‌دست هم داد تا نقش سانی به جیمز کان برسد که یک نامزدی اسکار را هم برایش به همراه داشت. در فصل پایانی پدرخوانده ۲ هم در آن سکنس فلش‌یک‌خاطر‌هانگیز حضورش دلپذیر بود یا آن قلدری همراه با مهربانی که در دوبله فارسی هم بهرام زند برایش سنگ تمام گذاشته بود.

اما پیش از پدرخوانده‌ها هم کان جای پایش را در هالیوود محکم کرده بود. در ۳هفت‌کاری با هوارد هاکس در فیلم‌های «خط‌سرخ هفت‌هزار» (۱۹۶۵) و «هولراول» (۱۹۶۶) که در دومی به‌عنوان بازیگر جوان مقابل جان وین و رابرت میچم کم‌نمی‌آورد و ضلع مؤلم سونت مردانه فیلم هاکس است. در دهه ۷۰ یکی‌و بهترین جلوه‌های حضورش با به‌کارگیری هسان توانایی جسمانی را در فیلم «رولربال» (۱۹۷۵) به‌نمایش گذاشت. در فیلم و نقشی که کاملاً‌انگ جیمز کان بود. تصویر قهرمان کهنه‌کاری که در ورزشی به‌شدت خشن و مردانه نقش یک فوق‌قدرتمند را ایفا می‌کند، پرسونای آشنای جیمز کان را بازتاب می‌داد. در انتهای دهه ۷۰ احتمالاً هیچ فیلمی به اندازه «یک سوسار از راه می‌رسد» (۱۹۷۸) منطقی با-ویژگی‌ها و توانایی‌هایش نبود. در نقش فرانک قهرمان جنگ که در بازگشت به خانه با انواع و اقسام توطئه‌ها و سدسبیه‌ها مواجه می‌شود. در وسترن متفاوت آن ج. پا کولاً که به فیلم نوار پهلوی می‌زند، کیفیت حضور جیمز کان به‌عنوان قهرمانی که مردانگی همراه با خشونت را با مهر و عطوفت همراه می‌کند، چشمگیر است.

بازی در «سارق» (۱۹۸۱) افتتاحیه خوبی برای ورود به دهه ۸۰ بود. تسلط و اشراف و انطباق بانقش، جیمز کان را به یکی از کان موفقیت‌این ساخته مایکل مان تبدیل کرد. هرچند دهه ۸۰ میلادی دستاورد چندانی برای جیمز کان به همراه نداشت. بهترین نقشی آفرینی‌اش در این سال‌ها بازی در نقش گروهبان هالارد در فیلم «باغ‌های سنگ» (۱۹۸۷) بود که شکست تجاری سنگینش باعث شد منتقدان هم جدی‌اش نگیرند. به‌عنوان بازیگری که بیشتر با تحرک و شور فراوان مکنکی بر توانایی‌های جسمانی، شمایلی از مردانگی را به نمایش می‌گذاشت، در «مبیزی» (۱۹۹۰) نقشی به کل متفاوت را بر عهده گرفت. نقش نویسنده‌ای که گرفتار آنی و ملگس (کتی بیتس) شده و در بیشتر دقایق فیلم، با پایي شکسته‌در منطقه‌ای دورافتاده در حال نگارش رمان و در واقع زندانی پسرش است. هرچند در نهایت همان قوای جسمانی باز یافته‌اش است که در نهایت باعث نجاتش می‌شود. جیمز کان در سال‌های بعد به‌ندرت نقش مطلوبش را یافت؛ با بالا رفتن سن و سال به مرور کم‌کار شد. نقش‌های کوتاه در فیلم‌هایی که شاخص نشدند یا اگر هم سر و صدایی کردند، مثل «داگوئل»، بازی جیمز کان سه‌م چندانی در موفقیتش نداشت. می‌شود گفت با گذر از ۴۰سالگی جیمز کان به بازیگری حاشیه‌ای بدل شده بود و وقتی در ۲۲سالگی از دنیا رفت، سال‌ها بود که کمتر کسی در دنیای رقت، سال‌ها جیمز کان یا به سن گذاشته‌تر کمتر به‌خاطر می‌آوریم و نامش نداعی‌کننده شور و اشتیاق و خشونت مردانه‌ای است که با مهر آمیخته و بهترین جلوه‌اش را در نقش سانی کورلئونه دیدم‌ای. بی‌چفت نیست که کوبولا و رفقا در پیام‌هایش پیش فرول صف سوگواران در گذشت جیمز کان شده‌اند.

بعد از نیم قرن، پسر بزرگ خانواده کورلئونه دوباره از دنیا رفته است؛ این بار اما خبری از گلوله‌باران نبود و همه چیز در آرمش اتفاق افتاد.